



رونمایی فیش‌های نجومی از کاسبان واقعی تحریم!

«در ماه‌های آینده امکان‌پذیر است، شرایط تولید بهتر خواهد شد لذا دلان تحریم از هم‌اکنون به فکر شغل دیگری باشند.» این سخن معروف روحانی در اردیبهشت 94 بود.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

رونمایی فیش‌های نجومی از کاسبان واقعی تحریم!

«در ماه‌های آینده امکان‌پذیر است، شرایط تولید بهتر خواهد شد لذا دلان تحریم از هم‌اکنون به فکر شغل دیگری باشند.» این سخن معروف روحانی در اردیبهشت 94 بود. حرفی که فکر نمی‌کرد تنها یک‌سال بعد برایش تا این حد گران تمام شود! او قبل‌تر در حمله به منتقدان سیاست‌های غلط و ضد ملی دولت، گفته بود: «والله بدانید که با رفع تحریم‌ها شما نیز منتفع خواهید شد و نیازی نیست که نگران باشید. مطمئن باشید که دکان شما نیز کساد نخواهد شد و اساساً رفع تحریم‌ها کاسبی هیچ فردی را کساد نخواهد کرد».

بعد از روحانی، دیگران هم به هرکسی که دلشان خواست برچسب کاسب تحریم زدند و همه ضعف‌ها و کوتاهی‌ها و نابلدی‌های خود را پشت برچسب به منتقدان پنهان کردند! عباس عراقچی از آن جمله بود که گفت: «دولت در صدد است تا جلو کسانی که از شرایط تحریم کاسبی کردند و در زمان حاضر نیز به دنبال مانع‌تراشی هستند تا این فرجام برجام به نتیجه نرسد را بگیرد و اصلاح کند.» او البته بداقبال‌تر از روحانی بود و زمانی این سخنان را گفت که رونمایی از کاسبان واقعی تحریم آغاز شده بود!

سونامی فیش‌های نجومی!

طوفان و سونامی که بیاید، با خودش خیلی چیزها می‌آورد و البته خیلی چیزها را هم می‌برد! از حدود دو ماه قبل، جسته گریخته، اخباری از غارت بیت‌المال توسط غارتگران یقه سفید منتشر می‌شد، اما مدیران دولتی انکار می‌کردند! آنها با گستاخی هر حرفی در این باره را سیاسی و خلاف واقع می‌خواندند و تهدید به پیگیری قضایی هم می‌کردند! اندکی بعد انتشار و افشای فیش‌ها بالا گرفت و دست خیلی‌ها رو شد! دولت به ناچار عقب نشست و چند نفر انگشت‌شمار هم استعفا دادند! آنها سعی کردند ماجرا را با همین چند استعفا تمام کنند اما تمام نمی‌شد! این سونامی، این چند نفر را برد اما پرده از چهره کاسبان واقعی تحریم هم برداشت و نشان داد چه کسانی در بحبوحه بحران ارزی و در روزگاری که ارز از نهصد تومان به چهار هزار تومان رسید، خون مردم را می‌مکیدند و آن روزها برایشان جشن بود!

زالوهای دلارخوار!

حکایت این مدیران! دولتی، حکایت زالوهایی است که به پیکر نیمه جان اقتصاد ایران افتادند و در روزهای غم مردم، جشن و سور به پا کردند و بعد هم با قیافه حق به جانب آمدند و فریاد زدند که تحریم پدر مردم را در آورده و به ما رای بدهید تا سایه شوم جنگ را از سرتان برداریم! و بعد هم که با همین عوام‌فریبی به مسند نشستند، هرکس که حرف حق زد، به همان صفت که خودشان بودند، متهمش کردند! «کاسب تحریم»!

مشتی از خروار

لیست امید را به خاطر دارید؟ همان لیستی که قرار بود برای جوانان و فرهیختگان و تحصیلکردگان کاری بکند! همان که از تبعیض و بی‌عدالتی شکایت داشت! و همان لیستی که تنها و تنها یک چهره اقتصادی داشت! یک دانشجوی رشته اقتصاد! آن روزها برخی که خود شریک دزد بودند و رفیق قافله «تکرار می‌کردند» که به لیست امید رای بدهید و ما متعجب بودیم که این لیست که تنها یک دانشجوی اقتصاد در آن است، چگونه می‌خواهد کاری برای اقتصاد بکند!؟ چهره اقتصادی کجا و دانشجوی اقتصاد کجا؟! اما سونامی فیش‌های حقوقی موضوع را روشن کرد! صفر حسینی، وزیر کار و وزیر اقتصاد دولت اصلاحات بود. او به مدد نزدیکی با رفیق گرمابه و گلستانش اسحاق جهانگیری، به ریاست صندوق توسعه ملی رسید. حقوق ناقابل حدود 60 میلیون گرفت (البته پاداش و مزایا بماند) اما این افشاکاری برگ‌های زرین دیگری از کارنامه وی را افشا کرد! فاطمه حسینی، دختر صفر، چهره اقتصادی لیست امید بود. او در اوج بحران ارزی، در سن بیست و سه چهار سالگی با همسر جوانش که قبلاً

فروشنده چینی بهداشتی بود و حالا یک بیزینس من تمام عیار شده بود، یک شرکت صرافی ثبت کرد! و در روزگار بحران ارزی، کاسبی حساسی انجام داد! به گونه‌ای که مدتی بعد، سرمایه ثبت شده‌اش را 700 میلیون افزایش داد! البته همسرش نیز چنین کرد و سرمایه ثبت شده‌اش را یک میلیارد و 140 میلیون تومان افزایش داد! توی چند از نزدیکان دیگر صفدر حسینی نیز در این صرافی شریک بودند و در ایام تحریم و نوسانات شدید ارزی، کاسبی خوب و پرسودی داشتند! دختر عمه دوست داشتنی!

اما این تنها دختر صفدر حسینی نبود که دلمشغولی و دغدغه اقتصادی داشت! او دختر عمه‌ای داشت که دستی در کار صرافی هم داشت! مهین نیکبخت فرزند محمدناصر نیکبخت، خواهرزاده صفدر حسینی و شریک صرافی آنها بود صرافی کوچکی که دورهمی بچه‌ها برای اوقات فراغت بود تا مشق اقتصاد بکنند! مشقی که با یکصد میلیون تومان شروع شد و پس از نوسانات ارزی به سرمایه دو میلیارد تومانی منجر شد! البته این همه کاسبی آنها از تحریم نبود! پدر او یعنی محمدناصر نوبخت، در دولت یازدهم به سمت استانداری همدان رسید! این مهره‌چینی دولت یازدهم دقیقاً در راستای اجرای همان شعار مبارزه با کاسبان تحریم است و ملاحظه می‌کنید که هیچ یک از آنها در این دولت به جایی نرسیده‌اند! فریدون همه‌جا!

حسین فریدون برای کسی ناشناخته نیست! دستیار اجرایی رئیس‌جمهور، برادر رئیس‌جمهور، مرد مذاکره‌کننده هسته‌ای که با زبان سرخه‌ای ایران را از خطر جنگ نجات داد!! اما این همه هنرهای او نیست! او ذوالفنون‌ی است که اگر دستگاه قضایی تصمیم به اجرای عدالت درباره‌اش بگیرد، گفتنی‌ها درباره‌اش خواهیم خواند! او هم به تجارت شریف دلار و کاسبی در ایام تحریم علاقه دارد! اما تنها نیست! علی صدقی، رئیس بانک رفاه کارگران، مرد 234 میلیونی بانک رفاه و ... شریک فریدون است. آنها در همان سالهای طوفان ارزی، صرافی درست کردند تا بتوانند خدمتی به اقتصاد آشفته کنند. حالا اگر به اقتصاد ملی نشد، به اقتصاد خودشان که می‌توانند! اینگونه شد که آنها هم به این عرصه پا گذاشتند. صدقی بعدها رئیس بانک شد. اما چگونه؟ ناصر سراج رئیس سازمان بازرسی کل کشور تصریح کرد که صدقی پرونده داشت، اما با فشار حسین فریدون به ریاست بانک رسید! اسناد معتبر و متعددی در اختیار کیهان است که نشان می‌دهد، صدقی چندین و چند پرونده دیگر هم داشته و به هیچ وجه صلاحیت نشستن بر روی چنین صندلی مهمی را نداشته، اما امان از فشار برادر رئیس‌جمهور! فهرست تمام‌نشدنی!

می‌توان به این فهرست موارد متعدد دیگری هم افزود. از صرافان دیگری تا وام‌گیرندگان حرفه‌ای که وام‌های یک میلیاردی به سود یک درصد گرفته‌اند و علیه تحریم شعار می‌دهند! از جاده صاف کن‌های تحریم و فشار دشمن تا کسی که دارو را به 640 برابر قیمت خرید در ایام تحریم به شرکت داروساز فروخت و حتی از کیفیت دارو هم زد و در دولت یازدهم بالا نشست! کاسبان تحریم، چنان هنرمندانه نقش اجرا کردند که کسی خبردار نشد آنها که فریاد دزد دزد سر می‌دهند، همان دزدها هستند! و نتیجه آن شد که موفق به جلب اعتماد و رای مردم شدند! سرخوردگی!

اما رو شدن دست کاسبان تحریم که در دل دولت یازدهم لانه کرده‌اند، مقبولیت اجتماعی دولت یازدهم را به شدت کاهش داده است. نگاهی به شبکه‌های اجتماعی و صفحات حامیان دولت در این شبکه‌ها، نشان از شدت سرخوردگی و یأس آنها می‌دهد. به ویژه در موضوع فاطمه حسینی و حسین فریدون، ماجرا کاملاً جدی است و حامیان دولت احساس می‌کنند پیام «تکرار می‌کنم» کلاه بدی به سر آنها گذاشته است! تئوریسین پول کثیف کجاست!؟

پیش از انتخابات مجلس دهم، رحمانی فضلی وزیر کشور دولت یازدهم، مدعی شده بود برخی با تجارت مواد مخدر و پول ناشی از آن، به عرصه انتخابات وارد می‌شوند! ادعای عجیبی که تا کنون یک برگ سند برای آن منتشر نشده است. او البته بعدها از حرفش عقب نشست و گفت منظور این بوده که شاید چنین شود، اما زنجیره ای‌های اصلاح طلب، هرچه توانستند واژه پول کثیف را چماق کردند و بر سر منتقدان دولت و برجام کوبیدند! بی‌آنکه بدانند چرا!!! اکنون رد پول کثیف آشکار شده است. در صرافی حسین فریدون و شرکا، فاطمه حسینی و شرکا، و ... اما خبری از وزیر کشور نیست! او چرا حالا سخنی از پول کثیف و تاثیر آن در انتخابات نمی‌گوید؟! آیا معتقد است این پول‌ها تمیز است یا چون خودی هستند باید سکوت کند؟! البته او تنها نیست، وزیر دادگستری دولت یازدهم هم که پیش‌تر، هر از گاهی فریاد اختلاس و دزدی سر می‌داد، این روزها خاموش و کم اثر است و تنها اظهار نظرش، مثل همیشه پیش‌بینی این واقعه بود منتها 5 سال قبل! یعنی سال نود! همان سالی که گفته بود اتهامات وارده به خاوری دروغ است و توطئه بدخواهان و ...! جز این دو، ساکتان دیگری هم در اجرای فیش گیت دیده می‌شوند مثلاً اکبر ترکان را به خاطر دارید؟! تئوریسین پروژه بزباش و قرمه سبزی! او هم مدتی قبل با اعتماد به نفسی ستودنی درباره تحریم‌ها و کاسبان تحریم گفته بود: «ما حرف‌های گفتنی زیادی درباره فساد اقتصادی و بهره‌گیری از شرایط تحریم‌ها داریم که بعداً درباره آن صحبت خواهیم کرد. تحریم‌ها هزینه‌های آشکار و پنهانی را برای ما داشته است که یکی از آنها فساد اقتصادی و اداری امروز کشور است. من قول می‌دهم که در این مورد صحبت کنم. حرف‌های ناگفتنی زیادی درباره بهره‌گیری برخی، از شرایط تحریم‌ها داریم که بعداً بازگو خواهیم کرد. همه باید یادشان باشد حامیان تحریم، از فساد اقتصادی و رانت مالی به وجود آمده، بهره گرفته‌اند!» اما معلوم نیست چرا حالا حرفی نمی‌زند! آیا می‌تواند درباره پدیده حسین فریدون و صفدر حسینی و نیکبخت و فاطمه حسینی و ... توضیحی به مردم بدهد؟! به مردم نه، اگر ممکن است به رای دهندگان به رئیس دولت یازدهم و به لیست امید توضیح بدهد که این همه کاسب تحریم و رانت خوارو غارتگر در بین آنها چه می‌کنند!؟

مظلومیت نظام

اما به جز شیرینی ماجرای روشن شدن دست کاسبان واقعی تحریم در دل دولت یازدهم، این ماجرا یک وجه تلخ هم دارد. تلخ‌ترین فصل آنجاست که غارتگران بیت المال، خود را مساوی نظام معرفی می‌کنند و هر صدای افشاگری را به جرم رفتن آبروی نظام! به سکوت دعوت می‌کنند! واقعیت این است که نظام، نخستین مدعی و مطالبه گر برخورد با اینگونه افراد است و رهبر انقلاب در دو مرحله با شدت و قاطعیت بر لزوم برخورد با متخلفین و دریافت کنندگان حقوق‌های نجومی تاکید کرده‌اند. کاری نداریم که دولتمردان با این فرمان چه کرده‌اند و موضوع را با استعفای چند مدیر متخلف فیصله داده‌اند و حالا به گفته معاون وزیر اقتصاد دنبال حفظ سرمایه‌های انسانی(!) هستند. اما واقعیت این است که این مطالبه نظام و مردم است و اگر دولتمردان تدبیر و امید، واقعا تدبیری داشتند، برای حفظ آبروی هزاران مدیر خدوم و پاک و متعهد، دست این دزدان را کوتاه می‌کردند و اجازه نمی‌دادند این متخلفان پشت آن متعهدان سنگر بگیرند.